



وعده به نخبگان خارج از کشور

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی گفته است که مقصود شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره افزایش ظرفیت رشته پزشکی بر تأمین زیرساخت‌ها تأکید داشت، در حالی که افزایش ظرفیت‌ها اتفاق افتاد اما زیرساخت‌های رشته پزشکی به اندازه لازم آماده نشد؛ مردم انتظار دارند پزشکان باسواد و توانمند تحویل جامعه داده شود، زیرا جان خود را در اختیار پزشکی قرار می‌دهند که بتواند بیماری آنان را با امکانات درمان کند. عبدالحسین خسروپناه در این باره گفت: «چندین اقدام مهم در این راستا انجام شده است؛ از جمله تصویب تشکیل سازمان توسعه همکاری‌های علمی و فناوریانه بین المللی که رئیس‌جمهور آن را ابلاغ کرده است. این سازمان به تخفیفاتی که خارج از کشور هستند کمک می‌کند تا به کشور بازگردند. همچنین مصوباتی مانند اختصاص سهمیه جذب استخدامی، تخفیفان، جدا از سایر سهمیه‌های جدید حیطه علمی، به آن‌ها امکان بازگشت و جذب راحت‌تر را می‌دهد و راه اندازی آزمایشگاه ملی نیز یکی دیگر از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی است.»



آلودگی هوا در خوزستان

مدیر روابط عمومی اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان از قرار گرفتن هوای شش شهر استان در وضعیت «ناسالم» و «قرمز» خبر داد. شهیار عسکری در این باره گفت: «براساس اعلام سامانه پایش کیفی هوای کشور در ساعت ۱۱:۰۰ امروز ۱۵ مهرماه، شاخص کیفیت هوا براساس اندازه گیری ذرات معلق با اندازه ۲/۵ میکرون در ایستگاه استاندارد خوزستان در اهواز ۱۵۷، پادشهر اهواز ۱۶۶، پست برق شماره ۳ اهواز ۱۶۱، سوسنگرد ۱۵۲، شادگان ۱۵۴، ماهشهر ۱۵۶ و هندیجان و بیبهان ۱۶۵ میکروگرم بر مترمکعب بوده، بنابراین هوای این شهرها در شرایط «ناسالم» و «قرمز» بوده است.» او ادامه داد: «طبق شاخص ۲/۵ میکرون، هوای اندیمشک، زرقول، نوشهر، هویزه، آبادان و شهرشهر در وضعیت «ناسالم برای گروه های حساس» و «تاری» بوده است.»



صدور کیفرخواست
۱۷ متهم قاچاق

رئیس کل دادگستری هرمزگان از صدور کیفرخواست برای ۱۷ نفر از متهمان پرونده کشتی خارجی حامل سوخت قاچاق در این استان خبر داد. مجتبی قهرمانی در این باره گفت: «ما موان دربارانی در روز ۲۳ تیرماه امسال، یک کشتی خارجی را بدلیل قاچاق سوخت در آبهای شرقی استان هرمزگان توقیف کردند که بلافاصله روند رسیدگی قضایی به تخطات این شناور آغاز شد. این کشتی حامل سوخت قاچاق، دارای ۱۷ نفر سرنشین بوده که این افراد، اتباع چهار کشور خارجی هستند و همگی با صدور قرار تأمین کیفری بازداشت شده‌اند. پس از انجام تحقیقات مفصل قضایی و اخذ استعلامات لازم و بررسی مدارک و مستندات موجود، ارتکاب جرم قاچاق کالای یارانه‌ای به‌صورت سازمان‌یافته توسط این افراد محرز شده است. در نتیجه تکمیل تحقیقات و پس از طی شدن مراحل رسیدگی در دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان جاسک، برای تمام ۱۷ نفر متهم این پرونده قرار مجرمیت و کیفرخواست صادر شد.»

«هم‌میهن»، از آمارهای رسمی جمعیت حدود ۸۰ درصدی کودکان مهاجر در میان کودکان کار می‌گویید. او توضیح می‌دهد، کودکان کار در تهران که در خیابان کار می‌کنند، به سه دسته مهاجران افغانستانی، کودکان غربی یا کولی و کودکانی از سایر اقوام کشور تقسیم می‌شوند و سهم مهاجران، از کودکان کار در خیابان بیشتر است، اما باید توجه داشت که آنها درصد کمی از کودکان کار تهران را تشکیل می‌دهند. او می‌گوید برآوردها نشان می‌دهد کمتر از ۱۰ درصد از کودکان کار در تهران در سطح خیابان‌ها کار می‌کنند و سایر آنها به اشکالی دیگر از کار مشغول می‌شوند: «نایاب به اشتباه برداشت کنیم که اگر مهاجران افغانستانی را اخراج کنیم، آمار کار کودکان کمتر می‌شود، نهایتاً با طرد آن‌ها، از سهم کودکانی که در خیابان و سایر بخش‌ها هستند کم می‌شود. اخراج کودکان مهاجران شامل همه آنها نمی‌شود، بلکه گروه‌هایی از آنها رد میز می‌شوند. ازسوی دیگر همه کودکان مهاجر افغانستانی هم، نه قرار است اخراج شوند، نه تا امروز رفته‌اند و این روند به‌معنی کم‌شدن کار کودکان نیست.»

روشنفکر توضیح می‌دهد در بسیاری از استان‌هایی که با کار کودک روبه‌رو هستیم، جمعیت مهاجر افغانستانی نداریم. «ما در ۱۵ مرکز استان کار کودک داریم اما هیچ مهاجر افغانستانی در آنها زندگی نمی‌کند؛ بنابراین تأثیر خروج آنها از کشور را در مقیاس ملی، باید با دقت در نظر گرفت. یکی از تبعات منفی اخراج آنها هم کم‌شدن مشغول‌شدن آنها به مشاغل باشد که در آن دیده نمی‌شوند.»

به گفته او، کار کودک در ایران شامل تمام کودکانی است که در بیش از ۴۰ هزار نقطه روستایی و بیش از دو هزار شهر در بخش‌های مختلف کشاورزی، مشاغل خانگی و سایر مشاغل کار می‌کنند و در مجموع بیش از دو میلیون نفر برآورد می‌شود. ولی سهم بزرگی از کل جمعیت بالای ۲۵ میلیون، زیر ۱۸ سال ندارند: «در برآوردها ممکن است تعداد هشت‌وونیم در ۱۰۰ هزار کودک، مشغول کار باشند که آمار آنها به حدود دوونیم میلیون نفر می‌رسد که در بخش‌های مختلف صنعت و کار خانگی و کشاورزی مشغول به کار هستند. آنها در مناطق مرزی و به حاشیه شهرها هم حضور دارند و سهمی از این آمار هم متعلق به مهاجران است، اما نه همه آن.»

روشنفکر اضافه می‌کند، عدد ۸۰ درصدی که درباره آمار کودکان مهاجر در میان جمعیت کودکان کار تکرار شده، از آمارگیری کودکان در خیابان به‌دست آمده است؛ یعنی زمانی که این کودکان را از خیابان‌ها جمع می‌کردند، از آنها آمار گرفتند و متوجه این عدد شدند، در نتیجه تعمیم این به کل جمعیت کودکان کاری که در خانه‌ها و کارگاه‌ها هم حضور دارند، قبیح نیست و حتی برای تهران هم نمی‌توان این آمار را تعمیم داد. او می‌گوید، یکی از فرضیه‌هایی که باید به عنوان تبعات طرد مهاجران در نظر گرفت، اضافه شدن دانش‌آموزان محروم از تحصیل به جمعیت کودکان کار است: «تحقیقات نشان می‌دهد، حدود ۴۵ درصد کودکانی که در خیابان کار می‌کنند به مدرسه نمی‌روند، اما ۵۵ درصد آنها هم درس می‌خوانند و هم کار می‌کنند. اما کودکانی که در کارگاه‌ها کار می‌کنند تحصیل برایشان سخت‌تر می‌شود. اگر بتوان این فرض را پذیرفت که رویت‌پذیری این کودکان کمتر شده، می‌توان گفت که احتمالاً بخشی از دلیل آن، مربوط به اخراج مهاجران و بخشی دیگر، مربوط به پنهان شدن آنهاست.»

تاثیرگذار است: «آماري که در پژوهش‌ها به‌دست آمده، نشان می‌دهد درصد زیادی از کودکانی که وارد بازار کار می‌شوند، بازمانده از تحصیل‌اند. در دوره‌ای تلاش می‌شد با استفاده از شیوه‌های غیر معمول و غیر انسانی جلوی کار کودکان در خیابان گرفته شود، اما این طرح‌ها موفق نبود و کودکان به‌سمت کارهای کارگاهی، رستوران‌ها و مغازه‌ها می‌رفتند و همچنان این روند ادامه دارد. ما در حال حاضر کودکان زیادی را تحت پوشش داریم که به‌واسطه ترک تحصیل، به‌سمت کار سوق داده شدند.» به گفته او، بعد از طرد مهاجران تاحالا تغییر چهره کار کودکان در خیابان‌ها دیده می‌شود و واحد کمترین کودکان کار در خیابان‌ها به‌خصوص در بخش زباله‌گردی دیده می‌شوند، با این حال هنوز هم کودکانی هستند که به‌جای زباله‌گردی در خیابان، در بخش تفکیک زباله کار می‌کنند تا در دید عموم نباشند: «ما همچنان در رستوران‌ها، کارگاه‌ها، مکانیکی‌ها و تولیدی‌ها، کودکان مشغول به کار را می‌بینیم اما چون از نگاه برخی نهادها منظره شهری را خراب نمی‌کنند، کاری به کار آنها ندارند. به‌واسطه همین طردها، کودکان کار مهاجر به‌سمت کارهای غیر آشکاري روند که به‌مراتب برایشان خطرناک‌تر است و متأسفانه احتمال سوء رفتار و آزارهای جسمی و جنسی بیشتر است. ما کودکانی را داریم که حالا به‌واسطه همین طردها کمتر در خیابان کار می‌کنند یا تلاش می‌کنند بعد از غروب و ساعتی که کاروان‌های گشت سیار به‌زیبستی تمام می‌شود، برای کار به خیابان بروند. در نهایت نمی‌توان به این نتیجه رسید که تعداد کودک کار، با طرد مهاجران، کمتر شده است؛ چون این نیاز مالی خانواده است که آنها را به‌سمت کار می‌کشد، فقط شکل کار کودک می‌تواند تغییر کند. براساس آمارهای اعلام‌شده، حدود یک میلیون نفر اخراج شده‌اند و به‌استناد همین آمارها می‌توان تخمین زد که بخشی از کودکان کار مهاجر از ایران رفته‌اند، اما نمی‌توان گفت آنهایی که باقی مانده‌اند دیگر کار نمی‌کنند؛ چرا که نیازهای اقتصادی خانواده همچنان پابرجاست. همچنان جمعیتی از مهاجران پنهان را داریم که قصد ترک ایران را ندارند و هنوز بسیاری از آنها تحت پوشش سازمان‌های مردم‌نهاد قرار دارند و مدارس دولتی هم آنها را راه نمی‌دهند. وقتی در افغانستان، نه درآمدی دارند، نه سرپناهی؛ ترجیح می‌دهند که در ایران بمانند و به‌همین دلیل است که امروز تغییری در وضعیت کار کودک، بعد از طرد مهاجران رخ نداده است.»

صباغ معتقد است، طرد مهاجران تأثیری در آمار کودکان کار ایجاد نمی‌کند: «اگر کودکان کار را در مقیاس کلی در نظر گیرید به خصوص در شهرهایی که ورود مهاجران به آنها ممنوع است، متوجه می‌شوید که تعداد کودکان کار به سبب گسترش فقر، افزایش هم یافته است. متأسفانه هیچ کار آمار دقیقی از تعداد کودکان کار وجود نداشته است. در آخرین پژوهشی که حاصل آن در کتاب پایان دادن به کار کودک در خیابان آمده است، تعداد کودکان کار را حدود دو میلیون نفر تخمین زده شده است؛ این در حالی است که در سال‌های اخیر تعداد کودکان کار به مراتب افزایش هم یافته است. اینکه کودکان از ترس دستگیری از کارهای آشکار مانند حضور سرچهارراه‌ها، پرهیز می‌کنند، دلیل بر کاهش تعداد کودکان کار نیست. کافی است به محل‌های تفکیک زباله‌ها یا کارگاه‌های زیرزمینی و تولیدی‌ها سرزنید تا کودکان کار را همچنان مشغول کار ببینید.»

پیام روشنفکر، پژوهشگر اجتماعی هم در گفت‌وگو با

زی به طرف مقابل که در ابتدای دولت گوشه‌ریز بود، بر یک میدان تجمع کنند یا یکی از سران قوا در جلسه رود. برای همین، یک دفعه می‌پنیدد و زورنار دولت در رکنار می‌شوند و یک «آخ» هم از دولت نمی‌شود و شما در خجرتان. یعنی، نه فقط اسدالات قبلی بی جواب سخنگوی دولتی هستید که انگار خانه از پوشال بر جاست که دیگر خودتان هم امیدوار نیستید. صرفاً مثل به محل کارتان می‌روید، کارت می‌زنید و هفته‌ای یکی آیند و دور هم می‌نشینید و گپ می‌زنید و حرف‌های راری. همچون کارمندانی که ساعتی را در میانه کار یا غذاخوری دور هم می‌نشینند و از عالم و آدم حرف هم در آخر از هم‌فیشینی و دورهمی‌شان در نمی‌آید. مردمان این است که قرار بوده سخنگوی دولت باشند و موضوعی جدی بگیرند. اما با وجود همه تلاشی که بر جدید خالی است و موضع گرفتن و بیان واقعیت‌ها سب لنگ بهارت رسیده دولت هم، مغایر خط‌مشی سیاستی‌اییم؛ رئیس‌جمهور است. کار به جایی می‌رسد که به‌سدها در ابتدای کار دولت رانه شما به عنوان سخنگو می‌دهد که خودش از بازماندگان دولت قبل است. روزگار می‌چرخد و می‌گردد و شما کارمندوار روزها را مثل کارمندانی که هرچه از عمر کاری‌شان می‌گذرد قیعت و حتی معیشت خود نمی‌بینند، فرسوده‌تر، آیتا بیمار می‌شوند؛ شما هم به‌تدریج با چنین وضعی رانده صبر کنید. قرار است وضع از این هم بدتر شود. ما سخنگوی دولتی هستید که شعار و برنامه و ماهیت متکی و مبتنی بر مذاکره و رفع تحریم‌ها بوده است؛ دود را در شرایطی می‌پنید که ابتدا در میانه مذاکرات، حمله خارجی قرار می‌گیرید. سپس، مذاکرات و حتی بازرسی‌های معمول که بیش از دوده ادامه داشت، متوقف می‌شود. متدی بعد، از سطح خارج به داخل و هم طرف مقابل در خارج با امتناع مذاکره

مم تار یک خواهد بود.
و ناتوانی خانواده‌ها از
انسد تصویری از آینده
نه تنها وضعیت کودکان
اسنامه و بی‌شناسنامه
انک جهانی به‌شکلی
ه از حقوق محرومان و
است‌هایی که منافع
طرنایک است.»

بیابان می گوید مسئله
رور با اخراج بی رحمانه
نستانی به سپر بلایی
کشور تبدیل شده اند.
مهاجران افغانستانی
بر این موج رسانهای

▼ ورود کودکان کار مهاجر به مشاغل پنهان

کار تهران اضافه شده
سال پیش به ایران آمد
و قوق هویتی ای ندارد و
بخواند. او دانش آموز
ست و از یک ماه پیش
کارش را شروع کرده و
، برخلاف خواهر ۱۳
ح می دهد و اگر مدرک
درس بخواند، اما حالا
درس خواندن در نظام
ش، هم مهاجراتی در
از آموزش رسمی و هم

و رئیس هیئت مدیره از طرح طرح مهاجران به اجاره به‌دلیل نگرانی از بیشتر در معرض خطر تا از حضور این کودکان به‌پایه چرخه کار کودک گفت که با اجرای این کمک ایجاد شده است:

در محیط‌های عمومی و خانواده‌های آنها همراه با اول می‌شوند. زمانی‌ما آموزش می‌دادیم، بعد آموزش و پرورش شرکت‌مند، اما اخیراً دیگر این‌ند وارد مدارس دولتی رگشت‌ناپذیر است، در هم، اما این آموزش‌ها چرخه کار و ورود به بزه

مسئله بازماندگی از
راه سمت کار سوق
از عوامل بسیار مهم و

ادامه یادداشت سردبیر

سرحدیبر

حق دارد حالش به
و عموم اعضای
د، کاملاً حق دارند. فعلاً بقیه کابینه را
ه، یو.یک لحظه فرض کنید شما یا ما هر کس
ی و مبارک و گفته دوبار روبه‌روی خبرنگاران
وال و موضوع اصلی در هر نشست مطرح
مثلاً، روند مذاکرات برای رفع تحریم‌ها؛ یا
هرون، ساختاری، شما به‌عنوان سخنگو،
باید. یکی دو ماه اول، با امیدواری و شور و
ینه‌ها می‌گویند. خبر هم می‌دهید که در
ا، موضوع در دستور کار قرار گرفته است.
را، اخذ شده است. جمع‌بندی‌ها صورت
مام است. تلاش‌هایی دارد صورت می‌گیرد
ر همین حرف‌ها را هم برای پاسخ گفتن
مع دولت. اینکه دولت مخالف فیلترینگ
روری می‌داند. اینکه رویکرد دولت، وفاق و
دولت بر مبنای نظرات کارشناسی است و از
مع مواضع هم صرفاً در حد یکی دو نشست
می‌شاس می‌آورد و یکی دو اقدام نصفه و
یلی و آغاز مذاکرات غیر مستقیم با آمریکا
ب اتفاق می‌افتد و به شما فرصت
و به‌نوعی، برای خودتان وقت
بیش‌ها هم قرار است رفع
برد و تحریم‌ها رفع شود.
حدودیت‌های فرهنگی و
و وفاق در سطوح بالای
ار نیست همین
باشد. شما
آن هیچ
«بیام»

